



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، مسئولین کشور، میهمانان عزیزمان - سفرای کشورهای اسلامی - که در جلسه حضور دارند، و همچنین به ملت بزرگ و مؤمن و مخلص ایران، و به همه‌ی مسلمانان عالم، و به همه‌ی آزادگان جهان.

عید مبعث از این جهت بزرگترین خاطره‌های تاریخی ماندگار است که یک مقطع فوق‌العاده حساسی را در تاریخ بشر به وجود آورده است و بر بشریت یک مسیر و راهی را عرضه کرده است که اگر آحاد بشر در این راه حرکت کنند، همه‌ی خواسته‌های فطری و طبیعی و مطلوبهای تاریخی طبیعی بشریت برآورده خواهد شد. در طول تاریخ که نگاه کنید، بشریت از نبود عدالت مینالیده است. یعنی عدالت، خواسته‌ی بزرگ همه‌ی آحاد بشر در طول تاریخ است. امروز اگر کسی پرچم عدالت را به دست بگیرد، در حقیقت یک خواسته‌ی تاریخی طولانی طبیعی فطری انسان را مطرح کرده است. آئین اسلام، حرکت اسلام، بعثت نبی مکرم، در وهله‌ی اول و جزو فهرست اولین هدفها، به دنبال عدالت است؛ مثل همه‌ی پیغمبران دیگر.

یک خواسته‌ی مهم بزرگ اساسی دیگر بشر، صلح و امنیت و آرامش است. انسانها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین‌الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته‌های اساسی بشر است. اسلام پیام‌آور امنیت و صلح و سلامت است. اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوئیم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر میگذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای فطری انسان است. با این جامعیت، با این دقت، با این اهتمام، بعثت پیغمبر اکرم از سوی پروردگار عالم به وجود آمد و فلاح بشریت را به او وعده و مژده داد؛ «بشیرا و نذیرا». (1) بشارت، در درجه‌ی اول، بشارت به همین زندگی آرام، زندگی همراه با عدالت، زندگی متناسب با ساخت بشر است. البته دنبال این هم، بشارت ثواب الهی است که مربوط به زندگی دائم انسان است. لذا بعثت پیغمبر در واقع بعثت رحمت است. با این بعثت، رحمت الهی شامل حال بندگان خدا شد؛ این راه، جلوی انسانها باز شد؛ عدالت را مطرح کرد، امنیت و سلامت را مطرح کرد؛ «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور». (2) با این دستورها، با این تعالیم، پیغمبر اکرم راه‌های سلامت را، راه‌های امنیت را به انسانها نشان داد. این سبیل سلام - راه‌های امن، راه‌های آرامش، راه‌های امنیت - مربوط به همه‌ی محیطهائی است که برای انسان اهمیت دارد؛ از محیط درونی قلبی انسان بگیرید تا محیط جامعه، محیط خانواده، محیط کسب و کار، محیط زندگی جمعی، تا محیط بین‌المللی. این آن چیزی است که اسلام به دنبال آن است.

آنچه که در اسلام به عنوان هدف دشمنی معرفی شده است، دقیقاً عبارت است از آن نقاطی که با این خطوط اصلی زندگی بشر در معارضه هستند. کسانی که با عدالت مخالفند، کسانی که با صلح و امنیت و آرامش مخالفند، کسانی که با صفا و روح مصفا و متعالی انسانی مخالفند، اینها نقطه‌ی مقابل دعوت پیغمبرند. برای عدالت است که خدای متعال جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. مخصوص اسلام هم نیست؛ جهاد در همه‌ی ادیان الهی وجود داشته است. آن کسانی مقابل دعوتند که با آسایش مردم، با آرامش مردم، با آسایش جامعه، با تعالی جامعه مخالفت و معارضه میکنند و دشمن منافع انسانها هستند؛ این همان نقطه‌ای است که اسلام آن را هدف قرار میدهد. از اول بعثت هم نبی مکرم اسلام، با آیاتی که وحی الهی به اوست، نقاط روشنی را مشخص کرده است.

در همین سوره‌ی مبارکه‌ی «اقرأ» که آیات اول آن ظاهراً اولین آیاتی است که بر پیغمبر نازل شده است - آیات بعدی با فاصله نازل شده است، ولی مربوط به همان اوائل بعثت است - میفرماید: «کلا لئن لم ینته لفسفا بالتأصیة. ناصیة کاذبة خاطئة. فلیدع نادیه. سندع الزبانیة». (3) آن کسانی که در مقابل دعوت رحمت، دعوت عزت، دعوت



آرامش و امنیت ایستاده‌اند، در اولین سوره‌ی قرآن مورد تهدید قرار میگیرند. یا در سوره‌ی مبارکه‌ی «مدثر» که آن هم جزو اولین سوره‌هایی است که بر پیغمبر نازل شده است، بر روی عنصر معارض با زندگی مردم تکیه میشود: «ذرنی و من خلقت وحیدا. و جعلت له مالا ممدودا. و بنین شهودا. و مهّدت له تمهیدا. ثمّ یطمع ان ازید. کلا ائه کان لأیاتنا عنیدا. سارهقه صعودا». (4) در مقابل آن کسی که معارض با پیغمبر است، آن کسی که معارض با منافع جامعه‌ی انسانهاست، آن کسی که معارض راه حق است، اشاره میشود به ایستادگی این حرکت عظیم و این معارضه. لذا در اسلام مبارزه هست، جهاد هست؛ منتها این جهاد، جنگ در مقابل معارضان با آرامش زندگی بشر، معارضان با عدالت، معارضان با سعادت بشر است. لذا قرآن کریم و سیره‌ی پیغمبر را که ملاحظه کنید، می‌بینید از همان روزی که حکومت اسلامی تشکیل شد، کسانی بودند غیر مسلمان، در زیر سایه‌ی پیغمبر، زندگی امن و امانی داشتند. یهودیانی که در مدینه بودند، پیغمبر با اینها قرارداد بست تا زندگی آرامی را در کنار پیغمبر بگذرانند؛ منتها توطئه کردند، معارضه کردند، خیانت کردند، از پشت خنجر فرو کردند؛ لذا پیغمبر در مقابل اینها ایستاد. اگر یهود مدینه معارضه نمیکردند، دشمنی نمیکردند، خیانت نمیکردند، شاید پیغمبر هرگز به آنها تعرضی هم نمیکرد. بنابراین دعوت اسلامی، دعوت معنوی است؛ دعوت با استدلال است؛ دعوت به معنای عرضی زندگی روشن و سعادت‌آمیز برای بشر است.

معارضینی در مقابل پیدا میشوند؛ اسلام این معارضین را از سر راه برمیدارد. اسلام منفعل عمل نمیکند. اگر معارضی وجود داشته باشد که معارض سعادت انسان است، معارض دعوت حق است، اسلام با این معارض پنجه در می‌افکند و در مقابل او ایستادگی میکند. این را مقایسه کنید با آنچه که قدرتهای متجاوز عالم در طول تاریخ عمل کرده‌اند، امروز هم عمل میکنند؛ جنگ میکنند برای توسعه‌ی قدرت، جنگ میکنند برای توسعه‌ی بی‌عدالتی. امروز شما در دنیا نگاه کنید؛ قدرتهای مسلط و مستکبر عالم تسلیحات درست میکنند، برای تهدید بشریت، نه برای گسترش عدالت؛ برای گسترش بی‌عدالتی، نه برای دادن امنیت به بشر؛ بلکه برای سلب امنیت از کسانی که تسلیم آنها نباشند. امروز مسئله در دنیا این است.

اینکه ما جاهلیت مستقر امروز دنیا را جاهلیت مدرن مینامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله‌ی با حق، مقابله‌ی با توحید، مقابله‌ی با حقوق انسان، مقابله‌ی با راهی که خدا برای انسانها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن، با استفاده‌ی از دانش، با استفاده‌ی از فناوری‌های پیشرفته، با استفاده‌ی از سلاح هسته‌ای، با استفاده‌ی از انواع تسلیحات برای پر کردن کیسه‌ی صاحبان صنعت‌های مخرب و منهدم کننده‌ی زندگی بشر.

داستان تسلیحات و هزینه‌های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستانهای غم‌انگیز بشریت است. امروز در دنیا کارخانه‌های اسلحه‌سازی انواع سلاحها را میسازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می‌اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنانه و طمع خباثت‌آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند.

لذا تا وقتی که ابرقدرتها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکائی‌ها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی‌عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول چهل و پنج سال - یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تا سال 1990 مسیحی - که به اصطلاح دوران «جنگ سرد» نامیده میشود، در گزارشهای رسمی بین‌المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهل و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگ‌هایی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می‌آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه‌های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام‌آورترین هزینه‌هاست. طبق آمارهای خودشان، در همین سال گذشته‌ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است! این هزینه‌های نظامی را ما امروز در



همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه‌ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگهداشتن ملت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملت‌های نگه‌داشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند، با اینها مخالفت میکند.

آنهایی که صرفه و صلاحشان در این است که ملت‌های مسلمان و دولتهای مسلمان با یکدیگر بجنگند، از یکدیگر متنفر باشند، از یکدیگر بترسند، یکدیگر را تهدید به حساب بیاورند، اینها همان کسانی هستند که دوام قدرت استکباری و استعماری‌شان به این وابسته است که در دنیا جنگ باشد؛ جنگ برای آنها وسیله‌ی غارتگری‌های آنهاست. این همه انسانها نابود بشوند، این همه اموال ملتها صرف خرید تسلیحات بشود، صرف تولید تسلیحات گران‌قیمت بشود، برای چه؟ برای اینکه صاحبان کمپانی‌های بزرگ پول بیشتری به دست بیاورند، لذت بیشتری از زندگی‌شان ببرند. این همان نظام طاغوتی جاهلانه‌ی خطرناک بشریت است که متأسفانه بر زندگی انسانهای دور از جاده‌ی توحید حاکم است.

قطعاً این روش باقی نمیماند؛ چون خلاف حق است، چون باطل است، از بین رفتنی است؛ «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً». (5) باطل یعنی آن چیزی که برخلاف سنت الهی در آفرینش است؛ این از بین رفتنی است، این زائل شدنی است، این ماندنی نیست. و نشانه‌های این زوال را هم امروز انسان مشاهده میکند. انسان به وضع بین‌المللی که نگاه میکند، نشانه‌های این زوال را می‌بیند.

وضع دنیا عوض شده است؛ ملتها بیدار شده‌اند؛ خوشبختانه این بیداری در ملت‌های مسلمان بیشتر است؛ ملت‌های مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه‌گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند درک میکنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرتها دیگر آن توانائی گذشته را نداشته باشند. وضع آمریکا امروز با گذشته فرق کرده است. قدرتهای بعد از آمریکا هم وضعشان همین جور است؛ معلوم است. ملت‌های مسلمان باید راه توحید را مغتنم بشمرند و وعده‌ی الهی را صادق بدانند. امروز سعادت مسلمانها در این است که بر محور اسلام با یکدیگر متحد شوند.

البته دشمنی هست و خواهد بود. هر جا بیداری بیشتر باشد، دشمنان بشریت احساس خطر بیشتری میکنند؛ لذا دشمنی بیشتری میکنند. ما معنای دشمنی‌هایی را که امروز با جمهوری اسلامی میشود، خوب میدانیم، خوب میشناسیم و علت این دشمنی‌ها را میدانیم؛ چون جمهوری اسلامی پرچم بیداری ملت‌های مسلمان را در دست گرفته است. چون جمهوری اسلامی ملتها و دولتها را به اتحاد و عزت دعوت میکند و میگوید ملتها و دولتها در سایه‌ی اسلام عزت خودشان را قدر بدانند. دشمنی به خاطر این است؛ این را ما میدانیم. ما میدانیم که این دشمنی‌ها ناکام خواهد شد؛ همچنان که تا امروز ناکام بوده است. سی و یک سال است که علیه جمهوری اسلامی تلاش میکنند، و سی و یک سال است که به فضل پروردگار جمهوری اسلامی روزه‌روز ریشه‌دارتر و قوی‌تر میشود. این روند همچنان ادامه خواهد داشت. دشمنی هرچه ادامه پیدا کند، مردم ما، مردم مسلمان، عقبه‌های مردمی در دنیای اسلام، بیشتر خود را باز خواهند یافت؛ بیشتر قدر خود را خواهند شناخت.

امیدواریم که خداوند متعال به همه‌ی دولتهای اسلامی و به همه‌ی ملت‌های اسلامی کمک کند که به خودشان اعتماد کنند، به خودشان تکیه کنند، از قدرتهای مستکبر نترسند؛ بدانند که این قدرتها نیرویشان رو به زوال است؛ نیروی جعلی و باطل است، و این باطل باقی‌ماندنی نیست؛ آنچه که میماند، آن چیزی است که به سود بشریت است، به سود انسانهاست؛ «و اما ما ینفع الناس فی الأرض». (6)

امیدواریم خداوند متعال به برکت بعثت نبوی، همه‌ی ما را به طریق اسلام و به راه‌های اسلام بیشتر نزدیک کند؛ دل‌های ما را با احکام الهی و با معارف الهی، بیشتر آشنا کند؛ دل‌های ملت‌های مسلمان را به یکدیگر نزدیک کند؛ دست‌های دولتهای مسلمان را در دست یکدیگر گره بزند تا امت اسلامی ان شاء الله بتواند قدرت خود و عزت خود و آبروی از دست رفته‌ی خود را باز یابد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



- (1) بقره: 119
- (2) مائده: 15 و 16
- (3) علق: 15 - 18
- (4) مدثر: 11 - 17
- (5) اسراء: 81
- (6) رعد: 17